

۵ دی

روز ملی ایمنی در برابر زلزله

زلزله یکی از حادثه‌های طبیعی است. چیزی مثل باران، باد و توفان... هر چه شدت زلزله بیشتر باشد، خرابی‌های آن بیشتر است. هنوز هیچ دانشمندی در جهان نمی‌تواند زمان دقیق زلزله را تشخیص دهد. البته زمین‌شناسان و جغرافی‌دانان توانسته‌اند بفهمند که در چه قسمت‌هایی از جهان، امکان آمدن زمین‌لرزه بیشتر است.

کشور ایران روی یکی از نوارهای زلزله‌خیز جهان قرار دارد. در ایران، روز پنجم دی ماه را روز ایمنی در برابر زلزله نامیده‌اند. در این روز شهر بم لرزید. ایمنی در برابر زلزله یعنی چه؟... یعنی این که وقتی زلزله می‌آید، بدانیم چه کارهایی را انجام دهیم تا دچار آسیب کمتری شویم؛ مثلاً: تترسیم، آرامش داشته باشیم و زیر نیمکت‌ها و یا تخت‌های محکم پناه بگیریم.



روز بصیرت و میثاق با ولایت

۹ دی

میثاق یعنی عهد و پیمان. در نهم دی ماه ۱۳۸۸ مردم ایران دوباره با آرمان‌ها و اهداف والای مقام معظم رهبری پیمان بستند. در شهرهای مختلف کشور، راهپیمایی‌های بزرگی برگزار شد و مردم ایران، عشق و علاقه‌ی خود را به انقلاب و رهبری نشان دادند.

کاظم یعنی کسی که خشم خود را فرو می‌برد. امام موسی کاظم(ع)، از دوران کودکی تا پایان عمر، هر گاه از کسی ناراحت می‌شدند، خشم خود را فرو می‌خوردند. ایشان در دوران امامت، بارها به دست حاکمان ستمگر و مکار بنی‌عبّاس در زندان گرفتار شدند. شرایط زندان بسیار سخت بود. اما شکیبایی امام به پایان نمی‌رسید. ایشان دائم به مناجات با خدا مشغول بودند. زندان‌بانان و زندانیان هم همیشه به امام کاظم(ع) علاقه‌مند می‌شدند.

پدر گرامی ایشان یعنی حضرت امام جعفر صادق(ع)، اسم فرزندان را موسی گذاشتند. امام موسی کاظم(ع)، هفتمین امام شیعیان هستند. ایشان در سن بیست سالگی به امامت رسیدند و سی و پنج سال امامت شیعیان را به عهده داشتند. یعنی طولانی‌ترین دوران امامت در میان همه‌ی امامان.



۱۱ دی

ولادت امام موسی کاظم(ع)

شهادت میرزاتقی خان امیر کبیر



تقی، کودکی درس‌خوان بود. او، هم در آشپزخانه‌ی دربار کار می‌کرد و هم با فرزندان وزیر، درس می‌خواند. روزی، او کاری کرد که همه شگفت‌زده شدند. وقتی خواست با قلمش درسی بنویسد، به قلم‌تراش نیاز پیدا کرد. آن وقت قلم‌تراشی خواست؛ اما کسی به خواسته‌اش توجه نکرد. او هم نامی بلندی به استادش نوشت. آن نامه درباره‌ی قلم‌تراش بود؛ اما هوش و استعداد فراوان تقی را به همه نشان می‌داد.

قائم مقام بعد از خواندن آن نامه، درباره‌ی تقی نوشت: این پسر به سرعت پیشرفت خواهد کرد. به زودی بزرگی او را خواهید دید.



امیر کبیر، لقب شخصی بود به نام میرزا محمدتقی خان. او فرزند کربلایی قربان آشپز بود. در زمان کودکی امیر کبیر، شخص دانشمند و با تدبیری به نام قائم مقام فرآهانی، وزیر اعظم شاه بود. او به هوش و شجاعت امیر کبیر پی برد. بعد، به او اجازه داد با فرزندانش درس بخواند. امیر کبیر وزیر اعظم ناصرالدین شاه قاجار شد. شاه او را خیلی دوست می‌داشت. امیر کبیر باعث پیشرفت ایران شد. نمایندگان کشورهای خارجی نظر خوبی درباره‌ی او نداشتند. چون او از منافع ایران در برابر آن‌ها دفاع می‌کرد. بالاخره هم نمایندگان کشور انگلیس و مادر شاه باعث شدند که شاه به امیر کبیر بدگمان شود. در پایان کار هم شاه دستور قتل امیر کبیر را صادر کرد. ناصرالدین شاه تا آخر عمر از این کار خود پشیمان بود. اما این پشیمانی هرگز سودی برای ایران نداشت.

معرفی کتاب

امیر کبیر، هوشمندترین سیاستمدار ایرانی
به روایت نقی سلیمانی
تصویرگر: ندا عظیمی
ناشر: کتاب‌های پروانه
تلفن: ۸۸۹۵۱۷۳۹

اربعین حسینی

خاک از قدم‌های تو شد سبز
کوه سیاهی از تو لرزید
وقتی که اصغر آب می‌خواست
از هر دو چشم اشک جوشید

زینبا! تو بانوی بهاری
جاری‌ست دریا در صدايت
آن روز، پشت کُفر خم شد
زیر تگرگ خطبه‌هایت

حمید هنرجو



فرار شاه از ایران

هر چه زمان می‌گذشت، اعتراض‌ها و راهپیمایی‌های مردم ایران علیه شاه بیشتر می‌شد. محمدرضا شاه پهلوی ترسیده بود. شب‌ها و روزها، صدای پرشور و کوبنده‌ی مردم را از پشت درها و دیوارهای کاخ نیاوران می‌شنید و از ترس بر خود می‌لرزید.

سرانجام روز ۲۶ دی ماه، شاه به فرودگاه مهرآباد رفت. او اعلام کرد که بیمار است و برای مداوا به خارج از کشور می‌رود. اما، بیماری بهانه بود. او فرار کرد و کشور برای ورود امام خمینی(ره)، به وطن آماده شد.